

بسم الله الرحمن الرحيم

ترجمہ کلمات و عبارات مهم جزء ۷ و ۸ قرآن کریم

ترجمہ استاد بهرام پور^۱

^۱ مخصوص امتحان پایان ترم درس قرائت و تجوید (۲)

کلمه / عبارت	معنی	کلمه/عبارت	معنی
قسیس	کشیش	بغضاء	کینه
أعينهم تفيض من الدمع شاهد	چشمانشان اشک می بارد	يصدّ	بازمی دارد
جاءنا	سوی ما آمده	منتهون	دست بردار، نهی پذیر
نطمع	آرزو داریم	جناح	گناه
أثاب	پاداش داد	طعموا	خوردند
يدخل	قرین کند	رِماح	نیزه ها
بما قالوا	بخاطر آنچه گفتند	حُرم	محرم، در لباس احرام
كذبوا	دروغ پنداشتند	متعمّد	کسی که کار را عمدی انجام دهد
لا تحرموا	حرام نکنید	نَعَم	چهارپایان
طَيِّبَة	پاکیزه ها	نواعدل	دو عادل
مَعْتَدَى	متجاوز	هَدَى	قربانی بی نشان
لغو	بیهوده	بالغ الكعبة	چیزی که به کعبه برسد
أيمان	سوگندها	عَدَل	معادل
عقدتم	عقد بستید	وبال	کیفر سنگین
من أوسط ما تطعمون	از متعارف آنچه می خورانید	عفا	عفو کرد
كسوةك ٢	لباس دادن، پوشاندن	سَلَف	گذشت
تحرير	آزاد کردن	سَيّارة	مسافران
رقبة	برده	حُرْم	مُحَرَّم
حلفتم	سوگند خوردید	قيام	مایه قوام کار
ميسر	قمار	قلائد	قربانی های نشان دار
أنصاب	بت ها	تبدون	آشکار می کنید
أزلام	تیرهای بخت آزما	أعجب	به شگفت آورد
رجس	پلیدی	تَسْوُكُم	موجب اندوهتان شود
أن يوقع	که افکند	حَضَرَ	فرا رسید
إستحق إثما	مرتکب معصیت شد	ضربتكم في الأرض	در سفر بودید
		ريب	شک

معنی	کلمه / عبارت	معنی	کلمه / عبارت
آفریننده	فاطر	دو نفر قیام می کنند	يقومان
اگر به تو زبانی برساند	إن یمسسک بضُرٍ	جایگاه	مقام
برطرف کننده	کاشف	نزدیک تر	أولیان
گواهی می دهید	تشهدون	درست تر	أحق
بیزار	برئ	میانسانی	کهل
می پنداری	تزعم	تعلیم دادم	علّمت
امتحان	فتنه	شکل	هیئت
سرپوش	أکنّه	بهبود بخشیدی	تبرّی
فهم آن نکنند	أن(لا) یفقهوه	کور مادرزاد	أکمه
گوش ها	اذان	کسی که پیس دارد	أبرص
سنگینی	وقر	زنده کردن مردگان	تخرج الموتی
افسانه ها	اساطیر	باز داشتم	کففت
دور می شوند	ینئون	نازل کننده	منزل
نگاه داشته می شوند	وقفوا	مراقب	رقیب
آشکار شد	بدا	مقتدر شکست ناپذیر	عزیز
نهی شدند	نُهوا	معادل می کند	یعدل
ما زنده شونده نیستیم	ما نحن بمبعوثین	مدت تعیین شده	أجل مسمّی
ناگهان	بغته	شک می کنید	تمترون
کوتاهی کردیم	فرطنا	رویگردان	مُعْرض
چه بد است	ألا ساء	قوم	قرن
انکار می کنند	یجحدون	قدرت دادیم	مکّنا
سخنان	کلمات	باران پیاپی فرستادیم	أرسلنا السماء مدرارا

معنی	کلمه / عبارت	معنی	کلمه / عبارت
اهل یقین	موقن	ریشه	دابر
تاریک شد	جَنّ	مهر	ختم
طالع، طلوع کننده	بازغة	آشکار	جهره
مجادله کرد	حاجّ	صبحگاه	غداة
حجت برتر	سلطان	شامگاه	عشیّ
منزلت و شأن را نشناختند	ما قدروا	رضای او را می جویند	یریدون وجهه
سکرات، سختی ها	غمرات	تا اینکه ایشان را طرد کنی	فتطردهم
خواری	هُون	تا روشن شود	لتستبین
تک تک	فرادی	جدا می کند	یقص
پشت سر گذاشتید	وراء ظُهُورکم	جدا کننده	فاصل
هسته ها	نوی	برگ درخت	ورقة
ودیعگاه	مستودع	انجام دادید	جرحتم
روی هم چیده شده	متراکب	فرشتگان محافظ	حَقَظَة
خوشه های خرما	قنوان	گروه ها	شَبیع
ابداع کننده	بدیع	یاوه گویی می کنند	یخوضون
همسر	صاحبة	از یاد شما می برد	ینسین
باریک بین	لطیف	منشین	لا تقعد
روشنگری ها	بصائر	رها کن	ذر
شما چه می دانید	ما یشعرکم	که گرفتار شود	أن تبسل
وا می گذاریم	نذرهم	محاصره شدند	أبسلوا
سرگشته ماندن	یعمهون	عقب گرد کنیم	نردّ علی أعقابنا
مرا هدایت کرد	هدین	به هوای نفس انداخت	إستهوت

*نکته:

اگر ترجمه کلمه ای را در آیه متوجه نشدید از خود کلمه در ترجمه فارسی استفاده کنید به عنوان مثال:

عبارت «ملکوت السماوات» را به «ملکوت آسمان ها» ترجمه کنید.